

بازار نفت، متأثر از بحران

سالی سیاه برای طلای سیاه



نگاه دکتر مهدی کرباسیان، استاد دانشگاه و رییس صندوق بازنشستگی وزارت نفت، به چشم انداز بازار نفت و درآمدهای نفتی در سال ۸۸

اگرچه قیمت نفت برای اقتصاد جهانی یک متغیر بسیار حیاتی است، اما میزان و نحوه اثرگذاری آن در اقتصاد کشورهای مختلف متفاوت است. یک کشور وابسته به نفت و درآمدهای نفتی، در قیاس با کشورهای صنعتی مصرف کننده، نوسانات قیمت نفت را با حساسیت بیشتری دنبال کرده و تأثیر آن را بر اقتصاد خود بسیار جدی تر ارزیابی می کند.

در این راستا، بسیاری از کارشناسان معتقدند بازار نفت در سال آینده چشم انداز خوبی نخواهد داشت. البته همسویی مؤلفه های بنیادین بازار با این تحلیل، احتمال وقوع چنین پیش بینی را تقویت می کند. اما به نظرمی رسد رخدادها به گونه ای امکان تحقق پیدا کنند که نتوان بر اساس یک پیش فرض، نابسامانی بازار را در سال آتی قطعیت بخشید. اتفاقاتی که به سبب بروز رکود اقتصادی در سمت تقاضای نفت روی می دهد، واکنش هایی را در سمت عرضه در پی دارد که ناخواسته تأثیرات متقابلی را بر بازار نفت خواهد گذاشت و آن را در نقطه جدیدی به تعادل خواهد رساند که با شرایط فعلی متفاوت خواهد بود.

اجلاس داووس در سال ۲۰۰۸ بهترین مؤید این مطلب است. طی این اجلاس، هیچ صحبت جدی در رابطه با بحران مالی عظیم فعلی به میان نیامد، ولی حدود ۴ ماه پس از آن، اولین نشانه های بحران بروز کرد و هر روز گسترش یافت. بنابراین، واقعاً نمی توان گمانه زنی های اقتصاددانان را مبنای کاملاً دقیقی برای تحولات آینده قرار داد.

تقاضای کلان و قابل پیش بینی

با توجه به رکود حاکم بر اقتصاد جهان - به ویژه در کشورهای صنعتی - کاهش تقاضا به عنوان یک پدیده قریب الوقوع، کاملاً منطقی به نظر می رسد. برای مثال در گزارش های رسمی، این عبارت به طور مکرر خودنمایی می کند که "مصرف نفت در آمریکا، به دلیل بروز بحران اقتصادی در این کشور کاهش یافته است." اگرچه در حال حاضر، کاهش تقاضای نفت یک انتظار منطقی و مورد تأیید اکثریت است، اما از یک سو میزان کاهش تقاضای نفت، محل اختلاف نظر اکثر صاحب نظران می باشد. از دیدگاه طرف تقاضا، کاهش ۵۰۰ هزار بشکه ای مورد تأیید است ولی عرضه کنندگان - به خصوص آپک - کاهش ۲/۵ میلیون بشکه در روز را مدنظر قرار داده اند. به علاوه با توجه به ذخیره سازی کشورهایمانند چین و افزایش ذخایر

تجاری کشورهایی همچون ایالات متحد و اتحادیه اروپا، انتظار می رود که تقاضای واقعی برای عرضه نفت خام، کمتر از میزان استخراج شده توسط عرضه کنندگان در مقاطع خاص باشد.

تقاضای شارژ شده

به طور منطقی و با توجه به روند رو به کاهش رشد اقتصادی در جهان، انتظار می رود که تقاضای حامل های انرژی به شدت کاهش یابد. درست است که شاخص های اقتصادی ضعیف، عوامل تقویت کننده قیمت نفت را تحت تأثیر قرار داده و موجب کاهش قیمت نفت شده اند، اما نباید فراموش کرد که در حال حاضر، ایالات متحد آمریکا و اتحادیه اروپا، طرح مشوق های اقتصادی را در دستور کار خود قرار داده اند.

توجه به این موضوع از آن جهت مهم و حایز اهمیت است که این بسته های اقتصادی، به صورت مشخص برای بخش هایی از اقتصاد، تقاضای مؤثر ایجاد می کنند و این اثرگذاری، بخش هایی از اقتصاد جهان را به تحرک و خواهد داشت که این امر در نهایت، به پویایی کل اقتصاد منجر خواهد شد.

به طور طبیعی یکی از بخش هایی که در مراحل بعد شاهد افزایش تقاضا خواهد بود، بخش انرژی و حامل های انرژی است. در کنار این مسأله، اگرچه خارج کردن اقتصاد کشورهای صنعتی از بحران فعلی به گونه ای طراحی شده که با حداقل آثار ترومی مواجه باشد، اما واقعیت آن است که آثار ترومی، جزء لاینفک این بازی خواهد بود.

عرضه آپک

آپک به عنوان یک رکن و بازیگر اثرگذار در بازار جهانی نفت، تلاش می کند تا با اعمال سیاست مدیریت عرضه و همسویی با بخش تقاضا، قیمت را تحت تأثیر قرار داده و آن را هدایت کند. اگرچه اعضای آپک برای مقابله با روند کاهش بهای نفت، از سپتامبر سال گذشته تاکنون ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه از میزان تولید خود را کاهش داده اند، اما این تصمیم آپک نتوانسته سطح قیمت ها را حتی به نصف قیمت رؤیایی نفت در ژوئیه ۲۰۰۸ (بشکه ای ۱۴۷ دلار) برساند.

ماجرای کاهش تولید آپک و تلاش ایران برای تحقق این امر، یکی از مباحث تکراری در اجلاس آپک است. پایبندی اعضای آپک به تصمیمات این سازمان، یکی از تدابیر مناسب و راهکارهایی است که در صورت

تحقق، می تواند به تثبیت بازار نفت در قیمت های بالاتر منجر شود.

یکی از مشخص ترین و آشکارترین مأموریت های آپک، تثبیت بازار نفت به گونه ای است که بازگشت سرمایه به میزان معقول و منطقی برای سرمایه گذاران این صنعت وجود داشته باشد. البته مقامات آپک بارها اعلام کرده اند که در پی تعیین قیمت مشخصی برای نفت نیستند و تعیین قیمت را به سازوکار عرضه و تقاضا در بازار واگذار کرده اند. با این وجود، به نظر می رسد که از دید برخی مقامات آپک، قیمت کمتر از ۸۰ دلار برای هر بشکه، منافع درازمدت تولیدکنندگان و مصرف کنندگان را به مخاطره خواهد افکند.

عرضه غیر آپک

یکی از نکاتی که به نظر می رسد در تحقق اهداف کاهش تولید آپک ایفای نقش خواهد کرد، میزان همراهی سایر تولیدکنندگان است. اگرچه در حال حاضر، غیرآپکی ها از اعلام رسمی همسویی با آپک امتناع می ورزند، اما اعلام کرده اند که در انتظار مشخص شدن آثار تصمیمات آپک خواهند ماند. این در حالی است که وضعیت تولید در کشورهای غیرآپک، به صورت منطقی (اقتصادی) و بنا به دلایل فنی، رو به کاهش گذاشته است. وزیر نفت و انرژی نروژ - به عنوان پنجمین کشور صادرکننده نفت در جهان - در اوایل فوریه اعلام کرد که مدت ها است تولید نفت این کشور روند نزولی را طی می کند که البته آمار نیز مؤید این ادعا است. اداره نفت نروژ، از کاهش تولید نفت این کشور - به میزان ۸۸ هزار بشکه در روز - در ژانویه ۲۰۰۹ و رسیدن سطح تولید آن به حدود دو میلیون و ۱۱۰ هزار بشکه در روز خبر داد. این بدان معنا است که نروژ، فقط در صورت کاهش تولید می تواند به حضور خود در بازار استمرار بخشد و تنها از این طریق، امکان افزایش مجموع نفت استخراج شده از چاه هایی که در نیمه دوم عمر خود قرار دارند، برای این کشور وجود دارد. روسیه نیز به عنوان بزرگترین



نگاه آقای غلامرضا سلامی، رییس انجمن حسابداران خبره ایران و عضو شورای سیاست‌گذاری ماهنامه «اقتصاد ایران»

آرامش در حین طوفان؟

بازخورد عملکرد دولت در جریان بحران جهانی

صادرکننده نفت غیرآبیک، از کاهش شدید قیمت نفت آسیب دیده است. از آنجا که درآمدهای نفتی دولت روسیه کاهش یافته است، شرکت‌های نفتی نیز به منظور کاهش هزینه‌های خود، ناگزیر از کاهش سطح تولید هستند.

به این ترتیب، انتظار می‌رود که طی چشم‌اندازی یک ساله، وضعیت اقتصادی جهان در نقطه جدیدی به ثبات برسد. البته تا آن هنگام، عوامل بنیادین عرضه و تقاضای نفت نیز در نقطه جدیدی به تعادل خواهند رسید که بی‌گمان با قیمت‌های کنونی فاصله زیادی خواهند داشت.

سرمایه‌گذاری

اگرچه سرمایه‌گذاری در بازار نفت، با تأخیری چند ساله بر میزان تولید اثر می‌گذارد، اما از نظر روانی و متغیرهای سودگراانه (بورس بازی)، مواضع و مطالب منتشر شده در این زمینه، با تأخیر زمانی بسیار کمتری اثرگذار خواهند بود. افزایش قیمت در سال گذشته باعث شد که شرکت‌های بزرگ نفتی در مسیر افزایش حجم سرمایه‌گذاری حرکت کرده و سازمان‌ها و نهادهای اعتباردهنده نیز با اطمینان بیشتری به این حوزه توجه کنند. چراکه با توجه به قیمت‌های بالای نفت، سرمایه‌گذاری در بسیاری از میدادهای نفتی توجیه اقتصادی پیدا کرد. با این حال، روند نزولی قیمت باعث شد که نگرانی‌هایی در مورد کاهش سطح سرمایه‌گذاری‌ها به وجود آید.

نکته قابل توجه آن است که در حال حاضر، شرکت‌های بزرگ نفتی، سیاست‌های سرمایه‌گذاری متفاوتی را اتخاذ کرده‌اند. شل اعلام کرده که سرمایه‌گذاری خود را ۵ درصد افزایش می‌دهد. لوک اویل، افزایش ۱/۵ میلیارد دلاری سرمایه‌گذاری‌های خود را نسبت به میزان قبلی تأیید کرده است. توتال و شوران، میزان سرمایه‌گذاری کنونی خود را حفظ می‌کنند و شرکت‌هایی از قبیل کانوکو و گازپروم نیز کاهش سرمایه‌گذاری را در دستور کار خود قرار داده‌اند. در عین حال، شرکت‌های بریتیش پترولیوم و اکسان موبیل نیز در این زمینه سکوت کرده‌اند.

صنعت نفت ایران نیز با ذخایر بسیار بالای نفت و گاز، باید تأمین نیاز آینده جهان را به ویژه در اروپا هدف‌گذاری نماید. به علاوه، انحصاری شدن و وابستگی جدی اروپا به گاز روسیه، زمینه سرمایه‌گذاری را در مقطع فعلی و حتی گستردگی و سرعت آن را ضروری می‌سازد. بنابراین باید در نظر گرفت که مهمترین مشکل صنعت نفت ایران، تأمین مالی پروژه‌ها است، وگرنه در اکتشاف، حفاری، تولید و حتی پالایش، پیمانکاران ایرانی به سطح خوب و قابل قبولی رسیده‌اند. لذا با توجه به اهمیت و نقش جدی نفت در سبد درآمد ایران و نیروهای جوان و آماده به کار و متخصص کشور، باید برای حل مشکل تأمین مالی پروژه‌ها چاره‌ای اندیشید. ■

مسئولان دولتی - چه در حرف و چه در عمل - هیچ نوع اهمیتی برای بحران مالی و اقتصادی جهانی قایل نیستند و از نظر آنها، گویا چنین اتفاق بزرگی کمترین تأثیر ممکن را بر اقتصاد آسیب‌پذیر کشور ما خواهد گذاشت. واکنش همراه با شادمانی برخی دولتمردان را در مقابل این بحران جهانی همگی شاهد بوده‌اند، ولی می‌توان این واکنش را بیشتر نوعی عکس‌العمل برای بالابردن اعتماد به نفس عمومی تلقی کرد. متأسفانه آنچه در عمل و در تنظیم بودجه سال ۸۸ اتفاق افتاده است، با باورهای کارشناسان مطابقت ندارد و به نظر می‌رسد واقعا این امر که بحران مالی و اقتصادی جهانی، هیچ نوع اثری بر وضعیت ما نخواهد داشت، بر دولت مشتبه شده باشد. اگر روزی این گفته رییس‌جمهور که می‌توان با نفت ۵ تا ۱۰ دلاری بودجه کشور را تأمین کرد نوعی ژست سیاسی تلقی می‌شد، اینک از آن به عنوان اعتقاد قلبی دولت استنباط می‌شود.

نگاهی به ارقام لایحه بودجه سال ۸۸ نشان می‌دهد که دولت، نه تنها اقدامی در جهت کاهش بودجه عمومی به عمل نیاورده است، بلکه حتی تعهدات جدیدی را نیز بابت اجرای قانون مدیریت کشوری (حدود ۷ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان) برعهده گرفته است. البته در ظاهر امر، هزینه‌های جاری نسبت به عملکرد سال ۸۷ انقباضی پیش‌بینی شده است، ولی با افزایش نزدیک به ۵۰ درصدی بودجه هزینه‌های عمرانی نسبت به عملکرد سال ۸۷ این اقدام خنثی شده و به نظر می‌رسد قرار است در سال ۸۸ سناریوی اصلاح بودجه - یعنی انتقال از بودجه عمرانی به بودجه جاری - این بار در ابعاد وسیع‌تر تکرار شود. حُسن این اقدام دولت این است که به منتقدان نشان می‌دهد که سهم نفت در بودجه جاری به شدت کاهش یافته و اهداف برنامه چهارم از این بابت تا حدود زیادی محقق شده است. ولی آنچه که در عمل ممکن است اتفاق بیفتد آن است که سهم نفت در تأمین هزینه‌های جاری در سال ۸۸ بالغ بر ۵۰ درصد گردد. سؤال ابتدایی که مجلس باید از دولت بپرسد آن است که چگونه با کاهش ۴۰ میلیارد دلاری درآمدهای نفتی دولت (از ۷۰ میلیارد دلار سال ۸۷ به ۳۰ میلیارد دلار در سال ۸۸) هنوز این اعتقاد در دولت وجود دارد که در سال ۸۸ هیچ نوع کسری بودجه وجود نخواهد داشت؟

هرچند پاسخ دولت در ارقام درآمدی غیرنفتی بودجه داده شده است، ولی سؤال بعدی می‌تواند این باشد که چگونه امکان دارد با کاهش جهانی قیمت محصولات پتروشیمی و فلزات اساسی مانند فولاد و مس - که به بخش

مهمی از بنگاه‌های انحصاری دولت از طریق تولید و فروش این محصولات، سود و مالیات زیادی را برای دولت ایجاد می‌کنند - درآمد سود سهام و مالیات بنگاه‌های دولتی افزایش یابد؟ این سؤال با توجه به رکود بخش مسکن و صنایع و خدمات وابسته به آن و بحران نقدینگی و فروش در سایر صنایع متعلق به بخش غیردولتی، در مورد مالیات قابل وصول از فعالان اقتصادی این بخش نیز مصداق دارد. سؤال دیگر این است که چگونه ممکن است که با کاهش ۵۰ میلیارد دلاری درآمدهای ارزی کشور و به تبع آن - در یک فضای منطقی و عاقلانه - کاهش واردات کشور، درآمد مالیات بر واردات افزایش یابد؟

چهار عمل اصلی

نکته جالب توجه آن است که حتی مجلس به عنوان یک مجموعه، این سؤال اساسی را مطرح نکرد که چگونه ممکن است که بودجه با نفت بشکهای ۳۷/۵ دلار بسته شده باشد، در حالی که جمع ارقام مندرج در خود بودجه از بابت فروش نفت، برداشت از حساب ذخیره ارزی، سود و مالیات و سهم شرکت نفت، نشانگر تنظیم بودجه ۸۸ براساس نفت بشکهای ۵۰ دلار است. حتی با یک جمع و تفریق ساده می‌توان از حاصل ضرب مالیات و سود سهام شرکت نفت که به ترتیب ۲۵ هزار میلیارد و ۴۰ هزار میلیارد ریال بابت ۵ درصد و ۸ درصد درآمد ناشی از صادرات نفت است، به رقمی متجاوز از ۵۰ میلیارد دلار درآمد مورد انتظار دولت از بابت صدور نفت در بودجه ۸۸ دست یافت. متأسفانه در شرایطی که مجلس در مقابل خواسته دولت مبنی بر شناسایی ۳۴ هزار میلیارد تومان درآمد ناشی از افزایش قیمت حامل‌های انرژی و منظور نمودن ۲۵ درصد از آن (۸ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان) مقاومت کرده بود، ولی متأسفانه در برابر خواست دولت از خود نرمش نشان داد و رقم مذکور به ۲۰ هزار میلیارد تومان افزایش یافت و در عوض، اختیار افزایش قیمت آب، برق، گاز و بنزین به دولت تفویض گردید. این در حالی بود که حتی اختصاص ۸ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان درآمد ناشی از افزایش قیمت حامل‌های انرژی و حذف حدود همین میزان از یارانه‌های پرداختی سال ۸۷ از بودجه سال ۸۸ متوسط قیمت حامل‌های انرژی را حداقل سه برابر می‌کند که در مورد برق و گاز می‌تواند حتی برای دهک‌های میانی درآمدی مشکل‌آفرین بوده و در نهایت ایجاد بحران نماید. ■